

An Examination and Analysis of the Nature and Examples of Worship

Sayyid Mohammad Razi Asef Agah¹

Alireza Fajri²

Received: 28/02/2021

Accepted: 30/01/2022

Abstract

There is a challenge in the studies of the concept and examples of worship. First, there are several views for the definition of worship (seven meanings) and most jurists have not clearly stated which meaning they have followed. Secondly, because of the challenge in concept studies, most jurists have been challenged in expressing the examples of worship, or have deviated and provided a few examples from their own point of view in worship, or have gone to extremes and given more examples or they have confused the meanings of the examples of worship and given some examples of one meaning along with some examples of other meanings. The present study seeks to enumerate and refine the meanings of worship and then to determine the examples of each meaning clearly. In this research, induction method has been used. First, in the words of jurists and Usul scholars, the concept of worship was studied and related terms were collected. Then, in the jurisprudential books, the examples of worship were examined and at the end, the examples of each meaning were determined. The novelty of the paper is in three items. The terminology of the concept of worship and the separation of their examples, the difference between the term worship and terms such as devotional and proximity, and the difference between inference in worship and non-worship; the issues that have not been studied based on this method so far.

Keywords

Worship, devotion, proximity, the criterion of being a worshiper, the concept of worship, examples of worship, philosophy of Islamic jurisprudence.

1. Assistant Professor, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran (Corresponding author). m.asefagah@isca.ac.ir.

2. Graduated from Level Four of Islamic Seminary, Qom, Iran. ar.fajri@gmail.com.

* Asef Agah, S. M. R., & Fajri, A. R. (1400 AP). An Examination and Analysis of the Nature and Examples of Worship. *Journal of Islamic Knowledge Management*, 3(6). pp. 62-96. DOI:10.22081/jikm.2022.60315.1049



بررسی و تحلیل ماهیت و مصادیق عبادت

سیدمحمدرضی آصف آگاه^۱ علیرضا فجری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

چکیده

در مفهوم‌شناسی و مصداق‌شناسی عبادت چالش وجود دارد؛ اولاً در تعریف عبادت دیدگاه‌های متعددی هست (هفت معنا) و بیشتر فقیهان به روشنی بیان نکرده‌اند که از کدام معنا پیروی کرده‌اند؛ ثانیاً به تبع چالش در مفهوم‌شناسی، بیشتر فقیهان در بیان مصادیق عبادت دچار چالش شده‌اند، یا تفریط کرده و مصادیق کمی از دیدگاه مختار خود در عبادات را شمرده‌اند یا افراط کرده و مصادیق زیادتری را آورده‌اند، یا میان مصادیق معانی عبادت خلط کرده‌اند و برخی از مصادیق یک معنا را به همراه برخی از مصادیق معنای دیگر آورده‌اند. این پژوهش در صدد است تا معانی عبادت را شمارش و تنقیح کند و سپس مصادیق هر معنا را به روشنی تعیین نماید. در این تحقیق از روش استقرا استفاده شده است؛ ابتدا در کلام فقیهان و اصولیان مفهوم عبادت بررسی و اصطلاحات مربوط به آن گردآوری شد؛ سپس در کتاب‌های فقهی مصادیق عبادت بررسی شد و در پایان مصادیق هر معنا تعیین گردید. نوآوری مقاله در سه امر است: اصطلاح‌شناسی مفهوم عبادت و تفکیک مصادیق آنها، تفاوت اصطلاح عبادت با اصطلاحاتی مانند تعبدی و قربی و تفاوت در استنباط در عبادات با غیر عبادات؛ اموری که تاکنون بدین نحو پژوهش نشده‌اند.

کلیدواژه‌ها

عبادات، تعبدیات، قربیات، معیار عبادی‌بودن، مفهوم عبادت، مصادیق عبادات، فلسفه فقه.

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). m.asefagah@isca.ac.ir

۲. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه، قم، ایران. ar.fajri@gmail.com

* آصف آگاه، سیدمحمدرضی؛ فجری، علیرضا. (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل ماهیت و مصادیق عبادت. دوفصلنامه

DOI:10.22081/jikm.2022.60315.1049

علمی - ترویجی مدیریت دانش اسلامی، ۳(۶). صص ۶۲-۹۶.

مقدمه

تعدادی از فقیهان مانند شهید اول (عاملی مکی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۶۳)، سید محمد جواد عاملی (۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۱۰)، علامه بحر العلوم (۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۴۲)، شیخ جعفر کاشف الغطاء (بی تا، ج ۱، ص ۱۴۵)، علی بن محمد رضا کاشف الغطاء (بی تا، صص ۱۲۹-۱۳۰)، محمد حسین کاشف الغطاء (۱۳۵۹ق، ج ۱، قسم ۱، صص ۱۱۲-۱۱۳)، شیخ موسی نجفی (۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۳) و محمد سند (۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۲۳) عبادات را بررسی کرده و حقیقت و مصادیق آن را بیان کرده‌اند؛ اما عبادت مفهومی است که در کلام فقیهان دارای معانی گوناگونی است. هر فقیهی از یک یا چند معنا در کلام خود بهره گرفته است و اکثر فقیهان به درستی روشن نساخته‌اند که از چه معنایی پیروی کرده‌اند.

استفاده از تعاریف مختلف عبادت در ساختار فقه، باعث چالش در اکثر ساختارها نسبت به شمارش عبادات شده است. فقیهی یافت نشد که مصادیق عبادات را به درستی در ساختار خود چینش کرده باشد، بلکه یا مصادیق کمتری را شمارش کرده‌اند یا مصادیق بیشتری را یا میان مصادیق معانی عبادت خلط کرده‌اند و برخی از مصادیق یک معنا را به همراه برخی از مصادیق معنای دیگر آورده‌اند.

۱. مفهوم‌شناسی عبادت

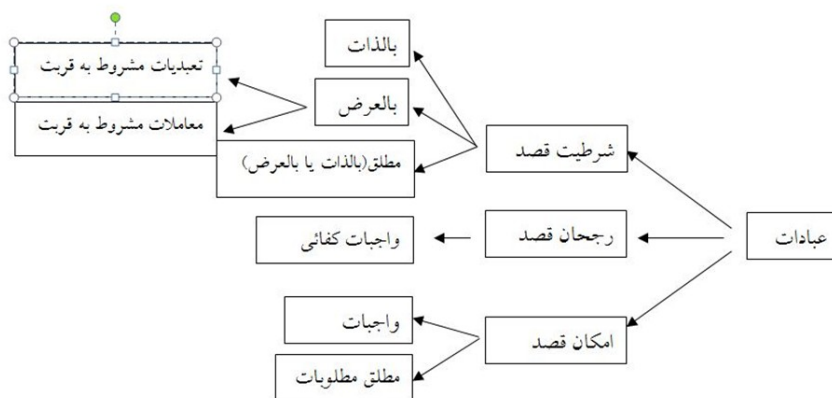
۱-۱. معنای لغوی عبادت

عبادت در لغت به معنای خضوع و ذلت (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۰۳) و طاعت (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۸۳) آمده است. برخی عبودیت را به معنای اظهار تذلل، و عبادت را بالاتر از آن و به معنای نهایت تذلل گرفته‌اند (علوی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۷).

۲-۱. معانی اصطلاحی عبادت در احکام

عبادت امری است که در آن قصد قربت دخیل است. قصد قربت در عبادات به سه گونه دخیل است: اشتراط، رجحان و امکان. عباداتی که در آنها قصد قربت شرط صحت است، چهار تعریف دارند و عباداتی که قصد قربت در آنها رجحان دارد، یک

تعریف دارند و عباداتی که در آنها امکان قصد قربت است دو تعریف دارند. در ادامه، این تعاریف بیان می‌شوند.



۱. عبادت به معنای اخص (مناسک شرعی): عباداتی که در آنها خدا پرستش می‌شود و ماهیت عبادی محض دارند و بالذات مربوط به ارتباط انسان با خدا هستند؛ بدین جهت فی نفسه مقتضی اشتراط قصد تقرب هستند. این دسته از عبادات تنها چهار عددند: صلات، صوم، اعتکاف، حج و عمره. طهارت از حدث را می‌توان از شروط صلات به حساب آورد و عبادت جداگانه نگرفت، همان‌طور که می‌توان آن را از عبادات غیري شمرده؛ البته با تفکیک طهارت از صلات و عمره از حج این دسته از عبادات شش عدد می‌شود؛ چنان‌که در تفاوت عبادات و قربیات می‌آید خمس و زکات ماهیت عبادی محض ندارند و از مناسک شرعی شمرده نمی‌شوند.

این قسم از عبادات، عبادات توقیفی (توقیفیات) (سجانی، ۱۴۲۳ق، ص ۹)، عبادات محض (خضری بک، ۱۹۹۲م، ص ۳۳) و عبادت تام (سند، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۲۳) نیز نامیده می‌شوند.

۲. تعبدیات مشروطه به قصد قربت (عباداتی که ماهیت معاملی ندارند): در یک تعریف، در دایره عبادات، تعبدیات مشروطه به قصد قربت قرار می‌گیرند، اعم از مناسک شرعی و غیر آن. این دسته از عبادات اموری هستند که شارع به آنها امر کرده و

مشروط به قصد قربت‌اند (صدر، ۱۴۲۳ق، ص ۱۴۹)؛ شامل صلوات، صوم، اعتکاف، حج و عمره، خمس، زکات، کفارات است. شهید صدر از این تعریف پیروی کرده است.

۳. معاملات مشروط به قصد قربت: عباداتی که ماهیت معاملی دارند و مربوط به حوزه ارتباط انسان‌ها با یکدیگرند؛ در نتیجه بالذات مقتضی اشتراط قصد قربت نیستند، بلکه از آن جهت که شارع قصد قربت را شرط صحت دانسته، عبادت خوانده می‌شوند. در این گونه عبادات قصد تقرب بالعرض و به امر شارع است و اگر امر شارع نبود، بالذات صحت آنها متوقف بر قصد قربت نبود (صدر، ۱۴۲۳ق، ص ۱۰۵). گاهی از این گونه عبادات تعبیر می‌شود به آنچه غرض اهم در آن، امر اخروی باشد (عاملی مکی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۶۳؛ بحرالعلوم، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۲). برخی از این دسته عبادات تعبیر کرده‌اند به عباداتی که نیازمند انشا است (گرچی، ۱۴۲۱ق، صص ۲۱-۲۲) و از جمله مصادیق آن نذر، عهد و یمین نام برده است. مصادیق این قسم عبارت‌اند از نذر، عهد، یمین، عتق، صدقه به معنای خاص، وقف (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۹).

این نوع از عبادات، قسمی از معاملات نیز محسوب می‌گردند؛ بدان جهت که ماهیتی دوجنبه‌ای دارند (معاملی - عبادی)؛ ولی چون قصد قربت در آنها شرط است، جنبه عبادی آنان غلبه دارد و مناسب است در عبادات به این معنا جای گیرند.

این دو قسم از عبادات، قریبات به معنای اخص (آنچه تقرب در آن شرط است و از مناسک نیست) نیز نامیده می‌شوند (ر.ک: عبادات و قریبات).

۴. عبادات به معنای خاص (تعبدیات و معاملات مشروط به قصد قربت): گاهی مراد از اصطلاح عبادت، اعمالی است که قصد قربت در آنها شرط صحت است، اعم از بالذات و بالعرض؛ در نتیجه شامل هر آنچه که مشروط به قصد قربت - سه قسم بالا - می‌شود. چنان که در ادامه می‌آید، به این سه قسم از عبادات، قریبات به معنای اعم نیز گفته می‌شود. سیدمحمدجواد عاملی عبادات را به این معنا به کار برده است (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۹).

۵. عبادات به معنای عام (واجبات کفایی): گاهی عبادت به وظایف تعبدی مکلف که بر هیچ انشایی متوقف نیست، گفته می‌شود (نجفی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۳). در این اطلاق،

تمامی واجبات کفایی داخل می‌شوند مانند جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، قضا، شهادت و قصد تقرب در آنها رجحان شرعی دارد (کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹ق، ج ۱، قسم ۱، صص ۱۱۲-۱۱۳). برخی از آن تعبیر کرده‌اند به امور حسیه‌ای که به اشخاص خاصی متقوم‌اند (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۲۰۱).

۶. عبادات به معنای کل واجبات: برخی از فقیهان عبادت را در معنایی وسیع‌تر و مرادف با واجبات به کار برده‌اند (حلی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۶؛ عاملی مکی، ۱۴۱۹ق، ص ۶۱؛ سید مرتضی، ۱۹۹۷م، ص ۳۱۴) و شهید اول از این دسته‌اند؛ از این رو واجبات و پاره‌ای از مباحث معاملات را به عبادات منتقل کرده‌اند (نجفی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۳).

۷. عبادت به معنای اعم (مطلق مطلوبات شرعی که در آنها امکان قصد تقرب است): در عام‌ترین تعریف، عبادت به اعمالی اطلاق می‌شود که قصد تقرب در آنها ممکن باشد (نجفی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۳) (به خلاف عبادت به چهار معنای اول که قصد قربت در آنها شرط صحت است و معنای پنجم که قصد تقرب رجحان دارد)؛ به عبادت دیگر مراد از آن مطلق هر چیزی است که منشأ رضای الهی باشد؛ مثل مطلق واجبات و مستحبات و ترک منهیات که ارتکاب و اجتناب آنها را عبادت می‌گویند (نمی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۰۵). در این تعریف تمامی اعمال انسان در صورتی که قصد تقرب کند، عبادت محسوب می‌شود. در این تعریف، عبادات، جمیع فقه را در بر می‌گیرد و تنها مکروه بالذات و محرّمات خارج می‌شوند. این دسته از عبادات را می‌توان عبادت شأنی اقتضایی نام نهاد (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۲۰۱) یا عبادات توصلی نامید (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۱۷؛ سند، ۱۴۲۳ق، ج ۱، صص ۳۲۳-۳۲۵).

به نظر نگارنده از میان تعارف هفت گانه عبادت، تعریف آخر (عبادت به معنای اعم) لغو است؛ زیرا شامل ابواب غیرعبادی می‌شود. دو تعریف ۵ و ۶ نیز مناسب نیست؛ زیرا خلط میان معاملات و عبادات می‌شود. تعریف ۳ و ۴ نیز خلط میان معاملات و عبادات می‌شود. تنها دو تعریف اول و دوم می‌مانند. تعریف اول بهترین اصطلاح در عبادات است؛ زیرا منحصر در عبادات محض و مناسک شرعی است. بعد از آن تعریف دوم است؛ زیرا بعضی از مصادیق آن مانند خمس و زکات به جهت غلبه جنبه مالی بر

عبادی - چنان که شهید صدر گفته - مناسب است به بخش‌های دیگر مانند بخش اموال منتقل شود.

۳-۱. عبادات و تعبدیات

اکثر اصولیان بین دو اصطلاح عبادی و تعبدی فرق نگذاشته‌اند و به هر آنچه مشروط به قصد تقرب باشد، عبادات یا تعبدیات گفته‌اند (بهسودی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، صص ۳۳۴-۳۳۵؛ سیدمحمدباقر صدر، ۱۴۰۶ق، ج ۲، صص ۶۴ و ۹۴).

اما می‌توان بین این دو اصطلاح فرق گذاشت. عبادی اموری است که قصد قربت در آن شرط است. تعبدی اموری است که ملاک و مصلحت واقعی آن برای ما روشن نیست؛ پس یک فعل می‌تواند چهار صورت داشته باشد: ۱. هم عبادی و هم تعبدی باشد، مانند نمازهای یومیه؛ زیرا نماز، مشروط به قصد قربت است، پس عبادت است. ملاک تعداد رکعات برای ما روشن نیست، پس تعبدی است؛ ۲. فقط عبادی باشد مانند اصل نماز و روزه؛ ۳. فقط تعبدی باشد نه عبادی مانند مقدار ارث؛ ۴. نه عبادی باشد و نه تعبدی مانند توصلیات و اکثر معاملات.

۱-۳-۱. مصادیق تعبدیات

در صورتی که میان دو اصطلاح تعبدی و عبادی فرقی گذاشته نشود، مصادیق تعبدی و عبادی یکی می‌شود؛ اما اگر میان آن دو تفاوت بگذاریم و عبادی را «ما یعتبر فیه قصد التقرب» بگیریم و تعبدی را «ما لایدرک ملاکه الواقعی» بگیریم، برخی از مصادیق تعبدی عبارت‌اند از: احکام دیات (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص ۴۲۴)، سن یا نسه شدن (اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۶۳)، نکاح (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، صص ۱۶-۱۷)؛ زیرا ملاک واقعی این احکام را نمی‌دانیم.

۴-۱. عبادات و قریبات

برخی از ققیهان بین امور عبادی و قریبی تفاوت قائل شده‌اند و اموری را که در آنها

قصد قربت معتبر است، دو قسم کرده‌اند: ۱. امور عبادی که در آنها خداوند پرستش و عبادت می‌شود مانند نماز، روزه و حج ۲. امور قربی که در آنها فقط بنده با این عمل به درگاه خدا تقرب می‌جوید؛ اما با این عمل، خدا پرستش و عبادت نمی‌شود (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۵۲؛ سبحانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۲۱).

در این اصطلاح، قریبات اعم از عبادات هستند؛ زیرا عبادت به معنای خضوع در برابر خدا است و در مناسک خاصی جلوه می‌کند (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ص ۸۴۲)؛ اما قریبات به هر عملی اطلاق می‌شود که در آن قصد قربت شرط است ولو از مناسک نباشد مانند خمس و زکات.

برخی دیگر از فقیهان میان امور قربی و عبادی فرق نگذاشته‌اند و هر عملی را که به قصد امتثال امر خدا انجام شود، عبادی شمرده‌اند (یزدی، ۱۴۲۱ق ص ۲۵). این امور، قریبات نیز نامیده می‌شوند. ظاهر عطف قریبات بر عبادات در سخن فقها آن است که این دو امر را یک چیز می‌دانند (اردبیلی، بی‌تا، ص ۳۲۷).

۱-۴-۱. نقد و بررسی

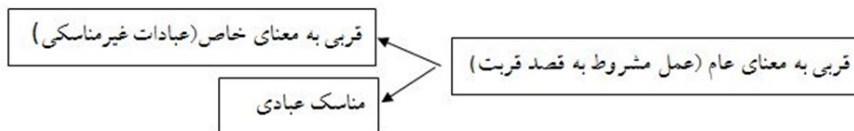
در قریبات سه تعریف است:

۱. قربی به معنای عام: هر عملی که در آن قصد قربت شرط صحت باشد، قریبات نامیده می‌شود. در این تعریف، قریبات در برابر توصیلات قرار می‌گیرد و شامل قریبات عبادی (مناسک عبادی) و قریبات غیرعبادی می‌شود.

گویا مشهور فقیهان، قریبات و تعبدیات (عبادات) را یکی گرفته‌اند؛ بنابر این تلقی، دو اصطلاح وجود دارد: توصیلی، تعبدی (قربی).

۲. قربی به معنای خاص (غیرمناسک عبادی): هر عملی را که در آن قصد قربت شرط است، ولی نوعی پرستش در آن نیست و از مناسک عبادی نیست، قریبات می‌نامند. در این اصطلاح، قریبات در برابر مناسک عبادی قرار می‌گیرد. برخی از فقیهان به تفاوت قریبات و تعبدیات تصریح کرده‌اند. قریبات، امور غیرعبادی و تعبدیات، امور عبادی شمرده شده‌اند (سبحانی ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۳۳۶ و ج ۵، ص ۱۰۵)؛

بنابراین سه اصطلاح وجود دارد: توصلی، تعبدی و قریبی (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۴۵۶).



۳. قریبی به معنای اعم: برخی از فقیهان قریبات را به معنای «ما یمكن قصد التقرب فیه» گرفته‌اند و عبادت را به معنای خاص آن یعنی «ما یشرط فیه قصد القربه» گرفته و گفته‌اند: عیادت مریض، افشای سلام، زیارت قادم و کسی که از سفر برمی‌گردد، تجدید وضو از قُرُبات هستند، نه عبادات (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۹، ص ۸۲).

۱-۴-۲. مصادیق قریبات

قریبات (به معنای عام) دو قسم می‌شود: قریبات عبادی (مناسک) و قریبات غیر عبادی. مراد از قریبات عبادی (مناسک): اعمالی است که در آنها قصد قربت شرط صحت آن عمل است و نیز در آن، خدا با مناسک خاصی پرستش می‌شود (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۵۲؛ سبحانی، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۳۳۶) و به آن «مناسک» هم می‌توان اطلاق کرد. نماز، روزه و برخی از اعمال حج از مناسک عبادی‌اند (سبحانی ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۴۵۶).

مراد از قریبات غیر عبادی (قریبی به معنای خاص) اعمالی است که در آنها قصد قربت شرط است؛ ولی در حوزه پرستش الهی و مناسک قرار نمی‌گیرد.

امور مالی قریبی مانند خمس، زکات، کفارات (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۴۵۶)، صدقات (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ص ۸۴۲) و نیز برخی اعمال حج مانند تقصیر، ذبح (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۳۳۶) و رمی (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۴۲۸) از این قسم‌اند. همچنین آداب تخلی، تعلیم و تعلم و احترام به والدین، وفای به عقود از اعمال قریبی هستند (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ص ۸۴۲)، نیز تزویج مجردها، انفاق بر یتیمان (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۱۷۴) و عیادت مریض، افشای سلام و زیارت قادم (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۵۱)؛ البته در مصادیقی که برای قریبات غیر عبادی

نام برده شده، مناقشه است؛ زیرا در برخی از موارد، قصد قربت شرط نیست مانند آداب تخلی، تزویج مجردها، انفاق و... مگر قربی به معنای ما یمكن التقرّب فیه باشد. در حقیقت در برابر توصلیات، قریبات به معنای عام قرار می‌گیرد، نه تعبدیات؛ در نتیجه تعبدیات قسمی از قریبات - به معنای عام - و اخص از آنها است.

۱-۵. جمع‌بندی (تفاوت عبادات، تعبدیات و قریبات)

در سخنان فقیهان سه اصطلاح وجود دارد: عبادت، تعبدی و قربی. اکثر فقیهان این سه اصطلاح را به یک معنا گرفته‌اند؛ اما چنان که گذشت، برخی از فقیهان میان تعبدیات و قریبات تفاوت گذاشته و قریبات را اعم از تعبدیات گرفته‌اند. بعضی از فقیهان میان عبادات و تعبدیات، چنان که گذشت، تفاوت قائل شده‌اند؛ پس این سه اصطلاح دارای سه معنای متفاوت‌اند. تعبدی عبارت است از «امری که ملاکش درک نمی‌شود». عبادت در یک اصطلاح عبارت است از مناسک شرعی و قربی عبارت است از چیزی که قصد قربت در آن شرط است، البته غیر از مناسک شرعی. عبادت در اصطلاح دیگر عبارت است از «چیزی که در آن قصد قربت شرط است» و قربی عبارت است از «چیزی که امکان تقرب در آن هست».

۱-۵-۱. معیار عبادی بودن

از معانی اصطلاحی که برای عبادت گفته شده، چند معیار برای عبادی بودن می‌توان شمرد:

معیار اول: از مناسک عبادی بودن؛

معیار دوم: غرض اهم اخروی داشتن (شرطیت قصد تقرب از ناحیه شارع)؛

معیار سوم: واجب بودن (رجحان قصد تقرب)؛

معیار چهارم: مطلوبیت شرعی داشتن (امکان قصد تقرب).

در حقیقت معیارهای یادشده موجب شناخت معنایی از عبادت می‌شوند.

با معیار اول، اصطلاح عبادت به معنای اخص (عبادات بالذات) شناخته می‌شود. با

معیار دوم، اصطلاح عبادت به معنای خاص (تعبدیات و معاملات عبادی) را می‌توان شناخت. با معیار سوم، اصطلاح عبادت به معنای عام (وظایف تعبدی) را می‌توان شناسایی کرد و با معیار چهارم، اصطلاح عبادت به معنای اعم (عبادات شأنی) شناخته می‌شود.

در شمارش ابوابی که ضمن عبادت قرار می‌گیرند، میان فقها اختلاف بسیاری دیده می‌شود. این اختلاف‌ها ناشی از نداشتن معیار واحد در تشخیص عبادت است. دست‌کم چهار تعریف برای عبادت وجود دارد:

۱. امری که مشروط به قصد قربت است و طلب و جویی یا ندبی به آن تعلق گرفته است (عاملی مکی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۶۳) (عبادت به معنای اخص).

۲. امری که بیشترین غرض در آن امر اخروی است (عاملی مکی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۴) (عبادت به معنای خاص).

۳. امری که قصد تقرب در آن رجحان دارد (عبادت به معنای عام).

۴. امری که تقرب به آن ممکن است (نجفی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۳) (عبادت به معنای اعم).
بنابر تعریف اول، برخی از اموری که ضمن ابواب عبادت قرار داده شده‌اند، عبادت نیستند و باید از زیرمجموعه ابواب عبادی خارج شوند؛ ابوابی مانند جهاد، امر به معروف و نهی از منکر؛ زیرا مشروط به قصد قربت نیستند.

بنابر تعریف دوم هر آنچه غرض اخروی در آن اهم باشد، عبادت محسوب می‌شود؛ بنابراین دامنه عبادات گسترش می‌یابد و صدقه، کفاره، نذر، عتق و... از عبادات محسوب می‌شوند؛ زیرا غرض اهم در آنها آخرت است.

بنابر تعریف سوم، دامنه عبادات وسیع‌تر می‌شود و واجبات کفایی را در بر می‌گیرد. بنابر تعریف چهارم گستره و قلمرو عبادات چنان وسیع می‌شود که تمامی ابواب فقهی اعم از معاملات سیاسات و... را در بر می‌گیرد؛ زیرا تمامی آنان صلاحیت قصد تقرب را دارند و فرد می‌تواند در تمامی افعال واجب، مستحب و مباح خود به خدا تقرب جوید.

در این صورت، ساختاربندی فقه به عبادات و غیرعبادات (به معنای اعم) لغو

می‌شود؛ زیرا تمام ابواب بنا بر این تعریف عبادت می‌باشند، نه چند باب خاص مانند صلوات و زکات، صوم، حج و

آری، صرف جایگزینی برخی ابواب توسط فقها در عبادت، آن باب را عبادی نمی‌کند، بلکه باید دنبال معیار عبادی بودن گشت و چهارمین معیار (امکان قصد قربت) به دلیل لغویت و وسعت بسیار زیاد معیار نامناسبی است.

عبادت به معنای کل واجبات یا واجبات کفایی، به واسطه وسعت دایره زیاد آنها و تداخل با ابواب غیر عبادی، مناسب نیستند.

۱-۵-۲. نقد کلی به روش فقیهان در شمارش عبادات

دسته‌بندی‌های فقها در مورد عبادات دچار چالش‌های جدی است. بنا بر اینکه مراد از عبادت، عمل متوقف بر قصد قربت باشد، دو نقد کلی بر دسته‌بندی فقها وارد است:

الف) داخل کردن عبادات ضمن غیر عبادات:

فقها برخی از اموری را که عبادی نیستند، به عنوان یک باب در ضمن عبادات شمرده‌اند: جهاد، رباط، امر به معروف و نهی از منکر، تأدیه امانات، خروج از حقوق و صایا، ازاله آخبات، بعض احکام جنائز و اکثر اموری که ابن سعید حلی در نزهة الناظر ضمن عبادات شمرده از این قبیل‌اند.

ب) خارج کردن بعضی عبادات از باب‌های عبادی:

فقها برخی از امور عبادی را که باید ضمن عبادات بشمارند، از عبادات خارج کرده و ضمن باب‌های غیر عبادی قرار داده‌اند. این ابواب عبارت‌اند از: ۱. صدقه، ۲. کفارات، ۳. نذر، ۴. عتق، ۵. وقف، ۶. تدبیر. بنا بر اینکه این دو عبادت باشند و حتی قائلان به عبادت بودن این دو، آنها را در غیر عبادات شمارش کرده‌اند (بحرالعلوم، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۳) این دو نقد را وارد کرده است.

۲. مصداق‌شناسی عبادات

فقیهان برای عبادات مصادیق بسیاری را نام برده‌اند؛ در این میان، برخی از عبادات مانند

صلوات، صوم، زکات، خمس و حج اتفاقی اند؛ اما دیگر عبادات اختلافی هستند. در ادامه، مواردی که برخی از فقیهان عبادت خوانده‌اند، بررسی می‌شوند.

۱-۲. طهارت

بسیاری از فقیهان طهارات ثلاث (وضو، غسل و تیمم) را از عبادات مرکب نام برده‌اند. برخی دیگر از فقها آن را ضمن صلوات قرار داده‌اند (عاملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۵)؛ پس طهارت از حدث از عبادات محسوب می‌شود (البته طهارت از خبث عبادت نیست)؛ ولی در اینکه آیا بخش جداگانه به آن اختصاص داده شود یا اینکه ضمن صلوات بیاید، اختلاف است.

۱-۲.۱. ارزیابی

اکثر فقیهان طهارت را از صلاة جدا کرده‌اند؛ اما از آنجا که طهارت یکی از شرایط صلوات است و جای آن ضمن شرایط نماز است، وجهی برای جداسازی طهارت از صلوات نیست. برخی گفته‌اند به جهت زیادی بحث طهارت و نیز تقدم شرط طهارت، این بحث بر صلوات مقدم می‌شود (کاشف‌الغطاء، علی، بی‌تا، ص ۱۳۱)؛ ولی به نظر می‌رسد این توجیه برای تقدیم طهارت بر صلوات کافی نباشد؛ زیرا اولاً فقیهان طهارت از خبث و حدث را یکجا آورده‌اند، در حالی که طهارت از خبث عبادت نیست. در این صورت مباحث طهارت کاهش می‌یابد و فربهی آن‌چنان‌های باقی نمی‌ماند تا یک باب مستقل فقهی به طهارت اختصاص یابد؛ ثانیاً منطقی آن است که شرایط نماز از جمله طهارت یکجا در کنار هم مطرح شوند و جداسازی شرایط و تقدیم طهارت و تأخر سایر شرایط نماز منطقی و مناسب نیست.

۲-۲. اذان و اقامه

ظاهر سخن بیشتر فقیهان آن است که اذان و اقامه عبادت‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۱۲؛ عاملی مکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۹۵؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، صص ۱۸۰ و ۱۹۰؛ عاملی، ۱۴۱۳ق،

ج ۱، ص ۱۹۰؛ عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۹). برخی از فقیهان به عبادت بودن اذان و اقامه تصریح کرده‌اند (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۶۱۵)؛ اما برخی از فقها تصریح کرده‌اند اذان و اقامه از عبادات نیستند (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۹).

۲-۲-۱. ارزیابی

اذان و اقامه عبادت به معنای اخص، خاص و عام نیستند؛ زیرا قصد قربت در آنها شرط نیست. بله عبادت به معنای اعم هستند؛ یعنی می‌توان برای درک ثواب قصد قربت کرد؛ ولی در این صورت بسیاری از غیرعبادات را می‌توان به این اعتبار عبادت شمرد و این امر مناسب نیست.

برخی از فقیهان عبادت بودن اذان را به معنای توقیفی بودن گرفته‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۳۱). در این صورت بین دو اصطلاح عبادی و تعبدی خلط کرده‌اند؛ زیرا چنان‌که گذشت، عبادی بودن به معنای مایشترط فیہ التقرّب است و تعبدی بودن به معنای توقیفی بودن است.

۲-۳. کفاره

مشهور فقیهان بلکه همه فقها، کفارات را از عبادات شمرده‌اند. برخی از فقیهان، کفاره را جزو صدقات شمرده‌اند (قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۰۸). بعضی گفته‌اند میان عبادت و کفاره عموم خصوص مطلق است و هر کفاره‌ای عبادت است (عاملی مکی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۴). برخی نیز عبادت را در تعریف کفاره قرار داده‌اند (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰، ص ۷)؛ پس کفاره از عبادات به معنای خاص یعنی تعبدیات مشروطه به قصد قربت است.

۲-۳-۱. ارزیابی

هرچند فقیهان کفارات را عبادت دانسته‌اند و عبادت به معنای خاص است، اما چنان‌که گذشت در شمارش عبادات تعداد کمی از فقیهان در ضمن عبادات، از کفارات نام برده‌اند و این اشکال به آنها وارد است؛ چراکه در ضمن عبادات از کفارات نام نبرده‌اند.

۲-۴. اُضحیه و هدی

اکثر فقیهان به صورت جداگانه تصریح نکرده‌اند که هدی و اضحیه (ذبح در حج) از عبادات‌اند؛ اما برخی از فقیهان تصریح کرده‌اند هدی عبادت است (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۸۶؛ عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، صص ۷-۸؛ از فقهای اهل سنت: سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۳۹؛ ابن‌رشد، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۳۰۰).

۲-۴-۱. ارزیابی

در حقیقت هدی از عبادات به معنای اخص و از مناسک شرعی به حساب می‌آید؛ زیرا یکی از اعمال حج است. بله، ذبح عبادت نیست، مگر آنکه در آن، قصد قربت شود که در این صورت عبادت به معنای اعم است.

۲-۵. صدقه

گاهی این سؤال مطرح می‌شود که فقیهان گذشته صدقه را از جمله عقود شمرده‌اند و در آن ایجاب و قبول را لازم دانسته‌اند؛ از طرف دیگر عده‌ای از فقیهان صدقه را عبادت دانسته‌اند (عاملی مکی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۵۴؛ بحرالعلوم، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۳) و در آن قصد قربت را نیز شرط کرده‌اند و معلوم است که در عبادات قصد قربت شرط است و زکات را که نوعی صدقه است، در زمره عبادات قرار داده‌اند. پرسش آن است که با این وصف، صدقه عبادت است یا عقد؛ به عبارت دیگر صدقه اگر به جهت اشتراط قصد قربت، از عبادات است، چرا در زمره عقود به حساب آمده و اگر از عقود است، چرا مشروط به قصد قربت شده است؟

۲-۵-۱. ارزیابی

صدقه در کلمات فقها به چند معنا آمده است:

۱. معنای عام که شامل چند چیز است: صدقه واجب عبادی (که عبارت است از زکات و فطره و گاه خمس هم از آن جمله شمرده شده است)، صدقه مستحبی، صدقه نذری و وقف.

۲. معنای خاص: بخشش تبرعی از عین مال بدون تحدید، مقدار، وقت، نصاب و... (عاملی مکی، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۴) که صدقات غیر زکات و فطره را در بر می گیرد.

۳. معنای اخص که مراد از آن زکات است؛ چنان که در آیه «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَ...» (توبه، ۶۰) به کار رفته است (قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، صص ۱۰۲-۱۰۴، سؤال ۴۱).

صدقه در معنای عامش هم شامل عبادات (زکات، فطره و خمس) و هم شامل عقود می شود (صدقات غیر از زکات، فطره و خمس)؛ اما در معنای خاصش از عقود به حساب می آید و در معنای اخصش عبادت است.

برخی گفته اند نیت و قصد قربت در عبادات دو گونه است: اجمالی و تفصیلی. در عبادت مصطلح، قصد قربت باید تفصیلی باشد؛ یعنی علاوه بر قصد طاعت الهی، اخطار به بال هم باشد؛ اما در برخی عبادات دیگر مانند صدقه قصد قربت اجمالی کافی است؛ یعنی کار را برای اطاعت خدا انجام دهد، هر چند در آن حال متذکر نباشد.

اما برخی نپذیرفته و گفته اند در عبادات، انجام کار به قصد طاعت الهی کافی است و حاضر کردن آن در ذهن لازم نیست (قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۰۵؛ مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، صص ۳۹۰-۳۹۱).

۲-۶. نذر، عهد و یمین

بسیاری از فقیهان نذر، عهد و یمین را عبادت دانسته اند (بحرالعلوم، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۳). ایشان می نویسد: مشهور آن را عبادت شمرده اند. برخی نیز آنها را شبه عبادت خوانده اند (عاملی مکی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۷۷). کاشف الغطاء نذر و عهد و یمین را دو قسم کرده و فرموده در صورتی که در آنها قصد قربت باشد، عبادت است و اگر با قصد قربت نباشد، عبادت نیست، هر چند وجوب وفا دارد و در صورت مخالفت با آنها کفاره واجب می شود (کاشف الغطاء، بی تا، ص ۱۲۹).

چنانکه گذشت شیخ محمد سند عبادت را چهار قسم کرده است. عبادت تام عملی است که مشروط به قصد قربت است و ماهیت آن از طرف شارع مشخص شده است. ایشان نذر و عهد را عبادت اقتضایی می شمرد؛ یعنی عملی که قابلیت عبادی بودن را دارد؛ اما بالفعل عبادت نیست (سند، ۱۴۲۳ق، ج ۱، صص ۳۲۳-۳۲۵). ایشان در وجه عبادت بودن

نذر و عهد می نویسد: فقیهان چند وجه برای عبادت بودن نذر و عهد شمرده‌اند: وجه اول: عملی که داعی و غایت در آن قربت است؛ یعنی صحت آن عمل مشروط به قصد قربت است؛

وجه دوم: عملی که فی نفسه عبادت باشد، مانند سجود و رکوع؛ وجه سوم: عملی که التزام لله داشته و به خدا نسبت داده شود (سند، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۲۴). نذر و عهد به معنای سوم عبادت‌اند. برخی نیز نذر و عهد را عبادت ندانسته‌اند (قمی، ۱۴۲۶ق، ج ۱۰، ص ۵۵۶).

۲-۶-۱. ارزیابی

در حقیقت نذر، عهد و یمین از عبادات به معنای مناسک شرعی به شمار نمی‌روند؛ اما از عبادت به معنای آنچه قصد قربت در آن شرط است (عبادت به معنای خاص) به حساب می‌آیند و چنان که در تعریف عبادت گذشت معاملات مشروط به قصد قربت نامیده می‌شوند.

۲-۷. عتق

بسیاری از فقیهان عتق را از عبادات شمرده‌اند (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۴۲۱؛ عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۰؛ بحرالعلوم، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۳). علامه بحرالعلوم می‌نویسد: مشهور فقیهان عتق را عبادت شمرده‌اند، بلکه اجماعی است و حدیث معتبر بر عبادی بودن آن وارد شده است: "لا عتق إلا ما أريد به وجه الله" (سیدمحمدجواد عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۹)؛ از فقهای اهل سنت: (ابن حزم، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۰۷). بعضی نیز تصریح کرده‌اند عتق از عبادات محضه نیست (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰، ص ۲۸۷).

برخی نیز عتق را عبادت نمی‌دانند (عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۵۷). شهید اول جانب مالی عتق را غالب بر جانب عبادی آن می‌شمرد (عاملی مکی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۲۶).

۲-۷-۱. ارزیابی

در هر صورت، عتق - در یک معنا - از عبادات محسوب می‌شود؛ زیرا در آن قصد

قربت شرط است؛ چنان که گذشت «ما یشرط فیہ قصد القربه» سه قسم است: ۱. مناسک شرعی، ۲. تعبدیات مشروط به قصد قربت، ۳. معاملات مشروط به قصد قربت، و عتق از دسته سوم است؛ یعنی از عباداتی است که ماهیت معاملاتی دارد و ایقاع شمرده شده است.

۲-۸. وقف

برخی از فقها وقف را عبادت نامیده‌اند (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۰۳) و بسیاری از فقیهان قصد قربت را در وقف شرط کرده‌اند (تلعبیری، ۱۴۱۰ق، ص ۶۵۵؛ شیخ طوسی، بی تا، ص ۵۹۶؛ علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۲۹۶؛ سیوری، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۰۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۲۷۸؛ عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۱۰ و ج ۲۱، ص ۸۰۷) این قول را به اکثر فقها نسبت می‌دهد. تعدادی از فقیهان نیز قصد تقرب را در آن شرط ندانسته‌اند (محقق حلی، ۱۳۸۹ق، ج ۲، ص ۲۱۵؛ عاملی مکی، بی تا، ج ۲، ص ۲۶۴؛ عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۳۵۰). برخی از فقها وقف را از مصادیق صدقه شمرده‌اند (قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، صص ۱۰۲-۱۰۴، سؤال ۴۱).

برخی از فقیهان تصریح کرده‌اند وقف عبادت به معنای مصطلح (عبادت محض) نیست (قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۶۳؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۶۲). ایشان می‌نویسد: «ولیس هو کالعتق و الوقف و الوصیه لأن هذه لیست عبادة محضه».

۲-۸-۱. ارزیابی

کسانی که قصد قربت را در وقف شرط صحت می‌دانند، وقف را عبادت به معنای خاص (معاملات مشروط به قصد قربت) دانسته‌اند و کسانی که در وقف قصد قربت را شرط نکرده‌اند، وقف را عبادت به معنای خاص ندانسته‌اند، هرچند به معنای عام عبادت است؛ بدین معنا که می‌توان آن را با قصد قربت برای حصول ثواب انجام داد.

۲-۹. جهاد و امر به معروف و نهی از منکر

بسیاری از فقیهان، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر را از ابواب عبادی شمرده‌اند

(ابن حمزه، ۱۴۰۸ق، ص ۴۴؛ صدر، ۱۴۲۳ق، صص ۷۲۳ و ۷۲۴). آیت‌الله میانجی جهاد را بالاترین عبادت شمرده و قصد تقرب را در آن شرط دانسته است (احمدی میانجی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۴). برخی از فقها تصریح کرده‌اند جهاد و امر به معروف و نهی از منکر عبادت نیستند (عاملی مکی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۲۰، فائده ۲۸)، وی می‌نویسد: «لیس عبادة اجماعاً»؛ (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۹؛ بحرالعلوم، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۳).

برخی نیز آن را دو جنبه‌ای و دوغایتی شمرده‌اند؛ یعنی هم جنبه عبادی دارد و هم جنبه معاملی (عاملی مکی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۶۳).

بعضی از فقها جهاد را از عباداتی دانسته‌اند که قصد قربت در آن معتبر نیست؛ ولی اگر با قصد قربت انجام شود، استحقاق ثواب دارد (کاشانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۵۶).

محمدحسین کاشف‌الغطاء جهاد و امر به معروف و نهی از منکر را از عبادات به معنای عملی که در آن قصد قربت راجح است، دانسته است (۱۳۵۹ق، ج ۱، قسم ۱، ص ۱۱۲).

شیخ محمد سند جهاد و امر به معروف و نهی از منکر را از آن قسم از عبادات می‌شمرد که هر چند قصد قربت در آنها شرط نیست، اگر مکلف آن را انجام ندهد، گناه کرده است (سند، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۲۵). چنان‌که گذشت این دسته از عبادات، واجبات کفایی هستند.

سؤال آن است که آیا این دو از عبادات هستند یا نه؟

پاسخ: جهاد و امر به معروف و نهی از منکر از عبادات به معنای عام هستند؛ یعنی اعمالی که در آنها قصد قربت رجحان دارد. اگر فقیهی تعریفش از عبادت به این وسعت باشد، این دو باب را می‌تواند در عبادات جای دهد؛ اما غالب فقیهان عبادات را به ما بیشتر فیہ التقرب معنی کرده‌اند؛ در نتیجه این دو باب در عبادات جای نمی‌گیرند.

برخی از فقیهان تلاش کرده‌اند به نحوی قرار گرفتن این دو باب در عبادات را توجیه کنند. شهید اول با اینکه عبادات را به فعل یا شبه فعلی که مشروط به قصد قربت است، تعریف می‌کند، اما این دو باب را جزو عبادات قرار می‌دهد، به این توجیه که جهاد دو حیثی است؛ حیث عبادی و حیث غیرعبادی. از حیث اینکه قابل امتثال و ثواب‌دهی است، عبادت است و از حیث اینکه موجب دفع ضرر و عزت اسلام و مسلمانان

می‌شود، قصد تقرب در آن شرط نیست؛ از این رو جزو عبادات نیست (عاملی مکی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۶۲).

۲-۹-۱. نقد و بررسی

دو حیثی کردن ابواب فقهی غالباً ناشی از عدم تعریف شفاف اصطلاحات و نداشتن معیار مشخص است.

با تعاریف هفت گانه و معیارهای چهار گانه که برای عبادات گفته شد جای هریک از ابواب عبادی روشن می‌شود.

با توجه به تعاریف و معیارهای بالا می‌گوییم اگر عبادت را به معنای اخص (مناسک شرعی) یا به معنای خاص (مایشرط فیه التقرب) بگیریم، جهاد و امر به معروف جزو عبادات نیستند؛ اما اگر به دو معنای عام (مایرجح فیه التقرب) یا اعم (مایمکن التقرب به) بگیریم، این دو باب از عبادات شمرده می‌شوند، همان‌طور که ابواب دیگری از معاملات و سیاست هم از عبادات شمرده خواهند شد و چون دو اصطلاح اول قابل دفاع هستند و سایر اصطلاحات عبادت دچار چالش‌اند، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر از عبادات به‌شمار نمی‌آیند.

بهرتر آن است جهاد و امر به معروف و نهی از منکر از مصادیق عبادات شمرده نشوند؛ زیرا اصطلاح غالب فقیهان در عبادات شرطیت قصد قربت است.

۲-۱۰. نکاح

برخی از فقیهان تصریح کرده‌اند نکاح و ازدواج عبادت (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۸۲). ایشان می‌نویسد: «و النکاح قد بیّننا استحبابه فیکون عبادة»؛ (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۶۵)، «النکاح من اعظم العبادات»؛ (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۶، ص ۱۲)؛ ایشان می‌نویسد: «لأنه فی نفسه عبادة»؛ از فقهای اهل سنت: (شرینی، ۱۳۷۷ق، ج ۳، ص ۱۴۰؛ دسوقی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۵۲؛ ابن‌نجیم مصری، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۱۳۶؛ عینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲۰، ص ۱۱۶)؛ وی می‌نویسد: «لأنه من العبادات حتی أنه أفضل من الصلاة النافلة»، یا نوعی از عبادات است (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق،

ج ۱۳، صص ۶۹ و ۸۶؛ عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۸۶؛ ایشان می‌نویسد: «و فيه شوب من العبادات المتلقاة من الشارع»؛ (نجفی، ۱۳۶۵: ج ۲۹، ص ۱۳۳؛ کاشف‌الغطاء، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۲). ایشان می‌نویسد: «النکاح بالعبادات انصب».

تعدادی از فقیهان، نکاح را عبادت نخوانده‌اند (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۹، صص ۲۲ و ۲۳)؛ ایشان می‌نویسد: «و الاجماع علی انه لیس عباده [بالمعنی الاخص]» و برخی آن را دووجهی دانسته‌اند؛ از جهتی عبادت و از جهتی معامله است (ابن‌عابدین، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۳). نکاح عبادت به معنای خاص یعنی آنچه قصد قربت در آن شرط است، نیست، بلکه به معنای عام عبادت است؛ اما به این معنا تمام معاملات می‌توانند با قصد تقرب عبادت گردند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۳۲).

البته تفاوت نکاح با سایر معاملات این است که نکاح از امور توقیفیه است، نه از امور عقلائی که شارع آن را امضا کرده باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، صص ۱۶-۱۷) و هر فرع آن نیاز به نص و دلیل خاص دارد و نمی‌توان با بنای عقلا آن را تصحیح کرد؛ پس نکاح معاملات صحیح نیست (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۳۳)؛ به عبارت دیگر «شارع به قدری قید و شرط به آن اضافه کرده که از معاملات خارج و مثل عبادات، توقیفی شده است» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۹۱).

۲-۱۰-۱. نقد و بررسی

چنان که گذشت، نکاح از تعبدیات به معنای «مالایدرک ملاکه الواقعی» است، نه از عبادات به معنای «ما یشرط فیه قصد التقرب». بله، نکاح می‌تواند از عبادات به معنای اعم یعنی «مایمکن أن یتقرب به» باشد یا آن را عبارت به معنای عام (ما یرجح فیه التقرب) گرفت و این در صورتی است که نکاح را از واجبات کفایی برای حفظ نسل بدانیم. در نتیجه نکاح از تعبدیات است و از عبادات به معنای خاص به حساب نمی‌آید.

۲-۱۱. عده

برخی از فقیهان پیشین گفته‌اند عده (وفات و طلاق برای زن) از عبادات است (حلبی،

۱۳۸۷، ص ۳۱۳؛ ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ص ۳۸۶). عده‌ای از فقها با این نظر که عده عبادت است، مخالفت کرده و گفته‌اند عده متوقف بر قصد تقرب نیست. بله، آن را می‌توان از عبادات به معنای عام گرفت؛ یعنی آنچه را که می‌توان با قصد قربت اتیان کرد (عاملی مکی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۳۵۳؛ بحرانی، بی‌تا، ج ۲۵، ص ۵۴۴).

۲-۱۱-۱. ارزیابی

عده به معنای ششم از عبادات است؛ یعنی از واجبات است یا به معنای هفتم از عبادات است؛ یعنی مانند دیگر معاملات از عبادات به معنای اعم است؛ ولی به چنین معاملاتی که با قصد قربت انجام شوند، عبادت اصطلاحی گفته نمی‌شود و بر عبادی بودن آن فایده‌ای مترتب نیست؛ چون هر معامله‌ای بدین طریق عبادت می‌شود.

۲-۱۲. قضا و شهادت

برخی از فقیهان تصریح کرده‌اند قضا و شهادت از عبادات هستند (عاملی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۰). برخی نیز آنها را از عبادات به معنای عملی که در آن قصد قربت راجح است، دانسته‌اند (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹ق، ج ۱، قسم ۱، ص ۱۱۳). میرزای نائینی قضا و شهادت را از عبادات به معنای وظایف تعبدی مکلفان که متوقف بر انشا نیست، گرفته است (آملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۸۱).

برخی از فقیهان اهل سنت معتقدند معنای عبادت در شهادت موجود است و استدلال کرده‌اند به آیه «و اقیموا الشهاده لله» (کاشانی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۱۱)؛ چراکه قید «الله» عبادیت یک عمل را (به یک معنا در عبادت) می‌رساند.

بعضی از فقیهان نیز از قضا استشمام عبادت کرده‌اند (نجفی، ۱۳۶۵ق، ج ۴۰، ص ۵۱)، «بل لو قلنا بكون القضاء من العبادات كما عساه...»؛ (ر.ک: علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۴۸).

۲-۱۲-۱. ارزیابی

در هر صورت، قضا و شهادت عبادت به معنای عام هستند (یعنی آنچه قصد قربت

در آن رجحان دارد و از واجبات کفایی است)، نه عبادت به معنای خاص (آنچه قصد قربت در آن شرط است).

۲-۱۳. وصیت

بسیاری از فقیهان وصیت را از عبادات نشمرده‌اند و برخی از آنان تصریح کرده‌اند که وصیت عبادت اصطلاحی نیست (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۶۲؛ کاشف‌الغطاء، علی، بی‌تا، ص ۱۲۸). برخی از فقیهان وصیت را عبادت خوانده‌اند (ابوالصلاح حلبی، ۱۳۸۷، ص ۳۶۴).

۲-۱۳-۱. ارزیابی

وصیت، عبادت به معنای عام (واجبات شرعی) است؛ اما از عبادات به معنای «ما یشرط فیه قصد القربه» به حساب نمی‌آید.

۲-۱۴. جبهه

اکثر فقیهان جبهه را از مصادیق عبادت نام نبرده‌اند؛ اما برخی از فقیهان جبهه را از عبادات شمرده‌اند (کاشف‌الغطاء، بی‌تا، ص ۱۴۰).

۲-۱۴-۱. ارزیابی

جبهه از عبادات اصطلاحی (ما یشرط فیه قصد القربه) نیست؛ اما آن را عبادت به معنای واجبات (معنای ششم از عبادت) می‌توان به شمار آورد.

۲-۱۵. فضائل اخلاقی

غالب فقیهان فضائل اخلاقی را در زمره عبادات به شمار نیاورده‌اند؛ اما بعضی از فقیهان، فضایل اخلاقی را از عبادات شمرده‌اند (محقق اردبیلی، بی‌تا، ص ۳۲۷). وی می‌نویسد: «فدلّت الآیة علی کون التقوی و الانفاق و کظم الغیظ و العفو عن الناس و الاحسان الذی یجده العقل و ینه الشارع، عبادات و قریات».

۲-۱۵-۱. ارزیابی

فضایل اخلاقی، عبادت اصطلاحی (آنچه صحت آن مشروط به قصد قرب است) نیست. بله، می‌توان آنها را عبادت به معنای اعم (ما می‌توان آن‌ها را تقریب بها) خواند؛ ولی در این اصطلاح خیلی از امور عبادت به شمار می‌آیند و دامنه عبادت بسیار گسترده می‌شود و بیشتر معاملات و سیاست‌ها را دربرمی‌گیرد.

۲-۱۶. عزاداری و ذکر فضائل اهل بیت علیهم‌السلام

فقیهان به عبادی بودن عزاداری و ذکر فضائل اهل بیت تصریح نکرده‌اند؛ ولی برخی از فقیهان متأخر، عزاداری و ذکر فضایل اهل بیت را از عبادات به معنای اعم شمرده‌اند (تبریزی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۵۵).

این‌گونه اعمال با قصد قربت، عبادت به معنای اعم هستند؛ اما مشهور فقها عبادت را به ما یشرط فیه قصد القربه معنا کرده‌اند؛ بنابراین این دسته از افعال عبادت اصطلاحی نیستند.

۳. آثار مفهوم‌شناسی و مصداق‌شناسی عبادات در استنباط

عبادت یا معامله بودن، در استنباط تأثیر بسزایی دارد، به گونه‌ای که اگر به این تفاوت توجه نشود ضررهای بسیاری به کل فقه وارد می‌شود (وحید بهبهانی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۰۰). پرسش آن است که مراد از عبادات کدام اصطلاح است تا در استنباط بدان توجه شود. آیا مراد از عبادات فقط مناسک پنج‌گانه عبادی است، یا تعبدیات مشروط به تقرب، یا معاملات مشروط به تقرب نیز هست یا معنای عام‌تری دارد و واجبات کفایی، یا کل واجبات، یا مطلوبات شرعی را نیز دربرمی‌گیرد؟

مهم‌ترین تفاوت‌های عبادات و معاملات در استنباط عبارت‌اند از: ۱-۲. توقیفی، تعبدی و تأسیسی بودن عبادات و عرفی، عقلایی و امضایی بودن معاملات؛ ۳-۴. صدور از شأن تبلیغ، دائمی و مولوی بودن خطاب در عبادات و ارشادی بودن در معاملات؛ ۵. وجود اصل بطلان در عبادات و اصل صحت در معاملات؛ ۶. دلالت فعل معصوم بر

استحباب در عبادات به خلاف معاملات؛ ۷. اقتضای بر مورد نص در عبادات و جواز تعدی در معاملات و

مفهوم و مصادیق عبادات باید به روشنی تعیین شود تا بتوان استنباط درستی داشت. چنان که گذشت نگارنده عبادات به معنای اول و دوم را درست و سایر معانی را به دلیل خلط یا لغویت دچار چالش می‌داند؛ از این رو ویژگی‌های استنباطی عبادی بودن را - که در بالا اشاره شد - فقط در این دو اصطلاح جاری می‌سازد.

نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از این تحقیق به شرح ذیل است:

۱. عبادت دارای اصطلاحات زیادی است. عبادت در احکام هفت اصطلاح دارد: مناسک شرعی، تعبدیات مشروط به قصد قربت، معاملات مشروط به قصد قربت، تعبدیات و معاملات مشروط به قصد تقرب، واجبات کفایی، کل واجبات، مطلوبات شرعی.
۲. غالباً اصطلاح عبادات با قریبات و تعبدیات خلط می‌شود. اگر تعبدی «ما لا یدرک ملاکه» باشد، عبادت مناسک شرعی باشد و قریبی «ما یشرط ما فیه القربة».
۳. (غیر از مناسک شرعی) باشد، این سه اصطلاح دارای سه معنای متفاوت می‌شوند؛ چنان که اگر عبادت «ما یشرط فیه قصد القربة» و قریبی «ما یمکن التقرب فیه» باشد، این دو اصطلاح نیز با هم متفاوت‌اند؛ اما اگر اصطلاح اعم در این سه مورد مد نظر باشد، این اصطلاحات با هم خلط می‌شوند.
۴. معیارهای عبادی بودن عبارت‌اند از: مناسک عبادی بودن، غرض اهم اخروی داشتن (شرطیت قصد تقرب از ناحیه شارع)، واجب بودن (رجحان قصد تقرب)، مطلوبیت شرعی داشتن (امکان قصد تقرب).
۵. دو نقد کلی به روش فقیهان در شمارش عبادات است:
الف) داخل کردن غیر عبادات مانند جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، ضمن ابواب عبادی؛

ب) خارج کردن بعضی عبادات مانند صدقه، کفارات، نذر و عتق از باب‌های عبادی؛

۶. اکثر فقیهان در بیان مصادیق عبادت دچار چالش شده‌اند یا تفریط کرده و مصادیق کمی از اصطلاح مختار خود در عبادات را شمرده‌اند یا افراط کرده و مصادیق زیادتری را آورده‌اند، یا میان مصادیق اصطلاحات خلط کرده‌اند و برخی از مصادیق یک اصطلاح را به همراه برخی از مصادیق اصطلاح دیگر آورده‌اند.

۷. فقیهان برای عبادات مصادیق بسیاری را نام برده‌اند؛ در این میان، در مورد برخی از عبادات مانند صلوات، صوم، زکات، خمس و حج اتفاق نظر وجود دارد؛ اما سایر موارد اختلافی هستند، عباداتی همچون طهارت، اذان و اقامه، اضحیه، کفاره، صدقه، نذر، عهد و یمین، وقف، عتق، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، نکاح، عده، قضا و شهادت، حیوه، وصیت، فضایل اخلاقی، عزاداری.

۸. ویژگی‌های استنباطی عبادات - که عبارت‌اند از توقیفی، تبعدی، تأسیسی، مولوی، دائمی، صدور از شأن تبلیغ، اقتصار بر نص، اصل بطلان و استحباب فعل معصوم - فقط در معنای اول و دوم عبادات جاری می‌شوند.

فهرست منابع

۱. آملی، میرزا محمدتقی. (۱۴۱۳ق). المكاسب و البيع. (تقرير درس آيت الله نائيني). قم: انتشارات اسلامي.
۲. آملی، میرزا محمدتقی. (۱۳۸۰). مصباح الهدی في شرح العروة الوثقى. تهران: مؤلف.
۳. ابن حزم، علی بن احمد. (بی تا). المحلی. بی جا: دارالفکر.
۴. ابن حمزه، محمد بن علی. (۱۴۰۸ق). الوسيلة. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله.
۵. ابن رشد الحفید. (۱۴۰۲ق). بداية المجتهد و نهاية المقتصد. بیروت: دار المعرفة.
۶. ابن عابدين، محمد امين. (۱۴۲۶ق). حاشية ردالمختار. بیروت: دار الفكر.
۷. ابن نجيم مصری، زين الدين. (۱۴۱۸ق). البحر الرائق. بیروت: دار الكتب العلمية.
۸. احمدی میانجی، علی. (۱۴۱۱ق). الاسير في الاسلام. قم: انتشارات اسلامي.
۹. اردبیلی، احمد. (بی تا). زبدة البيان. تهران: المكتبة الجعفرية.
۱۰. اشتهاړدی، علی پناه. (۱۴۱۷ق). مدارك العروة. تهران: دارالاسوة.
۱۱. اصفهانی، محمدباقر. (وحيد بهباني). (۱۴۱۵ق). الفوائد الحائرية. قم: مجمع الفكر الاسلامي.
۱۲. بحر العلوم، سيدمهدی. (۱۴۲۷ق). مصابيح الاحكام. قم: ميثم تمار.
۱۳. بحرانی، يوسف. (بی تا). الحدائق الناضرة. قم: موسسه نشر اسلامي.
۱۴. بهسودی، سيد محمد سرور. (۱۴۱۷ق). مصباح الاصول. (تقرير درس خارج آيت الله خوئي). قم: داوري.
۱۵. تبریزی، میرزا جواد. (بی تا). استفتاءات جديد. قم: بی جا.
۱۶. تلعبري، محمد. (شيخ مفيد). (۱۴۱۰ق). المقنعة. قم: نشر اسلامي.

١٧. جوهرى، اسماعيل. (١٤٠٧ق). الصحاح. بيروت: دار العلم للملايين.
١٨. حكيم، سيد محسن. (١٤١٦ق). مستمسك العروه الوثقى. قم: مؤسسة دار التفسير.
١٩. حلبى، ابن زهرة. (١٤١٧ق). غنية النزوع. قم: مؤسسة الامام الصادق عليه السلام.
٢٠. حلبى، ابوالصلاح. (١٣٨٧). الكافى فى الفقه. قم: بوستان كتاب.
٢١. حلبى، جعفر. (محقق حلبى). (١٣٨٩ق). شرايع الاسلام. نجف: مطبعه آداب.
٢٢. حلبى، حسن بن يوسف (علامه حلبى). (١٤١٠ق). نهاية الاحكام. قم: اسماعيليان.
٢٣. حلبى، حسن بن يوسف (علامه حلبى). (١٤١٣ق). قواعد الاحكام. قم: مؤسسة النشر الاسلامى.
٢٤. حلبى، حسن بن يوسف (علامه حلبى). (١٤١٣ق). مختلف الشيعة. قم: مؤسسة النشر الاسلامى.
٢٥. حلبى، حسن بن يوسف (علامه حلبى). (١٤١٤ق). تذكرة الفقهاء. قم: آل البيت عليهم السلام.
٢٦. حلبى، حسن بن يوسف (علامه حلبى). (١٤٢٠ق). تحرير الاحكام الشرعية. قم: موسسه الامام الصادق عليه السلام.
٢٧. حلبى، محمد بن حسن (فخرالمحققين). (١٣٨٧ق). ايضاح الفوائد. قم: اسماعيليان.
٢٨. خضرى بك، محمد. (١٩٩٢م). تاريخ التشريع الاسلامى. بيروت: دارالفكر العربى.
٢٩. خمينى، سيد روح الله. (١٤١٥ق). مناهج الوصول الى علم الاصول. قم: موسسه تنظيم نشر و آثار امام خمينى عليه السلام.
٣٠. خوئى، سيدابوالقاسم. (١٤١٨ق). موسوعة الامام الخوئى. قم: مؤسسة إحياء آثار الامام الخوئى.
٣١. دسوقى، محمد. (١٤١١ق). مقدمة فى دراسة الفقه الاسلامى. دوحه: دارالثقافة.
٣٢. زبيدى، سيدمحمد مرتضى. (١٤١٤ق). تاج العروس. بيروت: دار الفكر.
٣٣. سبحانى، جعفر. (١٤٢٣ق). دراسات موجزة فى الخيارات و الشروط. المركز العالمى للدراسات الاسلامية.
٣٤. سبحانى، جعفر. (١٤٢٤ق). الحج فى الشريعة الاسلامية الغراء. قم: مؤسسة امام صادق عليه السلام.

٣٥. سبحاني، جعفر. (١٤٢٤ق). الزكاة في الشريعة الإسلامية الغراء. قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
٣٦. سبحاني، جعفر. (١٤٢٤ق). المواهب في تحرير احكام المكاسب. قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
٣٧. سيزواري، سيد عبدالاعلى. (١٤١٣ق). مهذب الاحكام (چاپ چهارم). بيروت: المنار.
٣٨. سرخسى، محمد بن احمد. (١٤١٤ق). المبسوط. بيروت: دار المعرفة.
٣٩. سند، محمد. (١٤٢٣ق). سند العروة الوثقى. كتاب الحج. بيروت: مؤسسة ام القرى.
٤٠. سيد سابق. (١٤١١ق). فقه السنة. قاهره: دار الفتح للاعلام العربى.
٤١. سيد مرتضى. (١٩٩٧م). المسائل الناصريات. تهران: رابطه الثقافة و العلاقات الاسلامية.
٤٢. سيورى، مقداد بن عبدالله. (١٤٠٤ق). التنقيح الرائع. مكتبة آية الله المرعشى عليه السلام.
٤٣. شريينى، محمد. (١٣٧٧ق). مغنى المحتاج. بيروت: دار احياء التراث العربى.
٤٤. صدر، سيد محمد باقر. (١٤٢٣ق). الفتاوى الواضحة (چاپ اول). قم: مركز الابحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
٤٥. صدر، سيد محمد باقر. (١٤٠٦ق). دروس في علم الاصول. بيروت: دارالكتاب اللبنانى.
٤٦. طباطبايى، سيدعلى. (١٤١٢ق). رياض المسائل. قم: مؤسسة النشر الاسلامى.
٤٧. طوسى، محمد. (شيخ طوسى). (بى تا). النهاية. قم: قدس محمدى.
٤٨. عاملى مكى، محمد (شهيد اول). (١٤٠٣ق). القواعد و الفوائد. قم: مكتبة المفيد.
٤٩. عاملى مكى، محمد (شهيد اول). (١٤١٤ق). غاية المراد. قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامى.
٥٠. عاملى مكى، محمد (شهيد اول). (بى تا). الدروس الشرعية. قم: مؤسسة النشر الاسلامى.
٥١. عاملى، زين الدين (شهيد ثانى). (١٤١٣ق). مسالك الافهام. قم: مؤسسة المعارف الاسلامية.
٥٢. عاملى، زين الدين (شهيد ثانى). (١٤٢٢ق). حاشية شرائع الاسلام. قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامى.
٥٣. عاملى، زين الدين (شهيد ثانى). (بى تا). روض الجنان. قم: آل البيت عليه السلام.
٥٤. عاملى، سيدمحمد. (١٤١٠ق). مدارك الاحكام. قم: آل البيت عليه السلام.

۵۵. عاملی، سید محمد جواد. (۱۴۱۹ق). مفتاح الكرامة. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۵۶. علوی، سید عادل. (۱۴۲۱ق). القول الرشید فی الاجتهاد و التقليد. قم: مكتبة آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله.
۵۷. العینی، محمود بن احمد. (۱۴۲۱ق). عمدة القاری شرح صحیح البخاری. بیروت: دار الكتب العلمية.
۵۸. فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). كشف اللثام. قم: انتشارات اسلامی.
۵۹. قمی، سید تقی. (۱۴۲۶ق). مبانی منهاج الصالحین. قم: قلم الشرق.
۶۰. قمی، میرزا ابوالقاسم. (۱۴۱۳ق). جامع الشتات فی أجوبة السؤالات. تهران: موسسه كیهان.
۶۱. كاشانی، ابوبكر. (۱۴۰۹ق). بدائع الصنائع. پاکستان: المكتبة الحبيبية.
۶۲. كاشانی، ملا حبيب الله. (۱۴۰۴ق). مستقصى مدارك القواعد. قم: چاپخانه علمیه.
۶۳. كاشف الغطاء، جعفر. (بی تا). كشف الغطاء (طبع قديم). اصفهان: انتشارات مهدي.
۶۴. كاشف الغطاء، علی بن محمد رضا. (بی تا). باب مدينه العلم. نجف: مؤسسه كاشف الغطاء.
۶۵. كاشف الغطاء، محمد حسين. (۱۳۵۹ق). تحرير المجلة. نجف: المكتبة المرتضوية.
۶۶. كاشف الغطاء، محمد حسين. (بی تا). سؤال و جواب. نجف: مؤسسه كاشف الغطاء.
۶۷. كركی، علی بن حسين. (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد. قم: آل البيت عليهم السلام.
۶۸. كاشف الغطاء، عباس بن حسن. (بی تا). الفوائد الجعفرية. نجف: مؤسسه كاشف الغطاء.
۶۹. گرجی، ابولقاسم. (۱۴۲۱ق). تاريخ فقه و فقها (چاپ سوم). تهران: سمت.
۷۰. مراغی، سید میر عبدالفتاح. (۱۴۱۷ق). العناوين الفقيهه. قم: انتشارات اسلامی.
۷۱. مكارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۴ق). كتاب النكاح. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب عليه السلام.
۷۲. مكارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۸ق). حيله های شرعی و چاره جویی های صحیح. قم: مدرسه الامام امیر المؤمنین عليه السلام.
۷۳. نجفی خوانساری، موسی. (۱۴۱۸ق). منية الطالب. (تقرير درس محقق نائینی). قم: مؤسسة

النشر الاسلامى.

٧٤. نجفى، محمدحسن. (١٣٦٥). جواهر الكلام. تهران: دارالكتب الاسلامية.
٧٥. نراقى، ملا احمد. (١٤١٥ق). مستند الشيعة. قم: آل البيت عليه السلام.
٧٦. يزدى، سيدمحمد كاظم. (١٤٢١ق). حاشية المكاسب. قم: اسماعيليان.

References

1. Ahmadi Mianji, A. (1411 AH). *Al-Asir Fi al-Islam*. Qom: Islamic Publications. [In Arabic]
2. Alavi, S. A. (1421 AH). *Al-Qawl al-Rashid fi al-ijtihad va al-Taqlid*. Qom: Ayatollah Marashi Najafi School. [In Arabic]
3. Al-Eini, M. (1421 AH). *Umdah al-Qari Sharh Sahih al-Bukhari*. Beirut: Dar Al-Kotob Al-Ilmiyah. [In Arabic]
4. Ameli Maki, M. (Shahid Awal). (n.d.). *Al-Durus al-Shariah*. Qom: Islamic Publishing Institute.
5. Ameli Maki, Muhammad (Shahid Awal). (1403 AH). *Al-Qawa'id va al-Fawa'id*. Qom: Al-Mufid School. [In Arabic]
6. Ameli Maki, Muhammad (Shahid Awal). (1414 AH). *Qayat al-Murad*. Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office. [In Arabic]
7. Ameli, S. M. (1410 AH). *Madarik al-Ahkam*. Qom: Alulbayt. [In Arabic]
8. Ameli, S. M. J. (1419 AH). *Miftah al-Kiramah*. Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
9. Ameli, Z. (Shahid Thani). (1413 AH). *Masalik al-Afham*. Qom: Mu'asisah al-Ma'arif al-Islamiyah. [In Arabic]
10. Ameli, Z. (Shahid Thani). (1422 AH). *Hashiyah Shara'e al-Islam*. Qom: Islamic Propaganda Office Publications. [In Arabic]
11. Ameli, Z. (Shahid Thani). (n.d.). *Rawdh al-Janani*. Qom: Alulbayt.
12. Amoli, M. T. (1380 AP). *Misbah al-Huda fi Sharh al-Urwat al-Wothqa*. Tehran: Mu'alif. [In Persian]
13. Amoli, M. T. (1413 AH). *Al-Makasib va al-Bay'*. (Ayatollah Naeini's lesson report). Qom: Eslami Publications. [In Arabic]
14. Ardabili, A. (n.d.). *Zubdah al-Bayan*. Tehran: Al-Jaafariyah Library.
15. Bahr al-Ulum, S. M. (1427 AH). *Masabih al-Ahkam*. Qom: Meysam Tamar. [In Arabic]
16. Bahrani, Y. (n.d.). *Al-Hada'iq al-Nazirah*. Qom: Islamic Publishing Institute.

17. Behsudi, S. M. S. (1417 AH). *Misbah al-Osul*. (Ayatollah Khomeini Kharif Fiqh Lesson). Qom: Davari. [In Arabic]
18. Dasoughi, M. (1411 AH). *Mughadamah fi Dirasat al-Fiqh al-Islami*. Doha: Dar al-Thaqafa. [In Arabic]
19. Eshtehardi, A. P. (1417 AH). *Madarik al-Urwat*. Tehran: Dar al-Uswah. [In Arabic]
20. Fadhil Hindi, M. (1416 AH). *Kashf al-Letham*. Qom: Islamic Publications. [In Arabic]
21. Gorji, A. (1421 AH). *History of jurisprudence and jurists*. (3rd ed.). Tehran: Samt. [In Arabic]
22. Hakim, S. M. (1416 AH). *Al-Urwa Al-Wothqa*. Qom: Mu'asisah Dar al-Tafsir. [In Arabic]
23. Halabi, A. (1387 AP). *Al-Kafi fi Al-Fiqh*. Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
24. Halabi, I. Z. (1417 AH). *Qaniyah al-Nozou'*. Qom: Imam Al-Sadiq Institute. [In Arabic]
25. Heli, H. (Allama Heli). (1410 AH). *Nahayat al-Kalam*. Qom: Esmailian. [In Arabic]
26. Heli, H. (Allama Heli). (1413 AH). *Mukhtalaf al-Shia*. Qom: Islamic Publications Institute. [In Arabic]
27. Heli, H. (Allama Heli). (1413 AH). *Qawa'id al-Ahkam*. Qom: Islamic Publications Institute. [In Arabic]
28. Heli, H. (Allama Heli). (1414 AH). *Tadhkirah al-Foqaha*. Qom: Alulbayt. [In Arabic]
29. Heli, H. (Allama Heli). (1420 AH). *Tahrir al-Ahkam al-Shariah*. Qom: Imam Al-Sadiq Institute. [In Arabic]
30. Heli, J. (Mohaghegh Heli). (1389 AH). *Sharaye' al-Islam*. Najaf: Adab Publications. [In Arabic]
31. Heli, M. (Fakhr al-Muhaqiqin). (1387 AH). *Izah al-Fawa'id*. Qom: Esmailian. [In Arabic]

32. Ibn Abedin, M. A. (1426 AH). *Hashiyah Rad al-Mukhtar*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
33. Ibn Hamza, M. (1408 AH). *Al-Wasilah*. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publications. [In Arabic]
34. Ibn Hazm, A. (n.d.). *Al-Mahali*. Dar al-Fikr.
35. Ibn Najim Mesri, Z. (1418 AH). *Al-Bahr al-Ra'iq*. Beirut: Dar Al-Kotob Al-Ilmiyeh. [In Arabic]
36. Ibn Rushd Al-Hafid. (1402 AH). *Bidayah al-Mujtahid va Nahayah al-Muqtasid*. Beirut: Dar Al-Ma'rifah. [In Arabic]
37. Isfahani, M. B. (Behbahani, V). (1415 AH). *Al-Fawa'id al-Ha'eriyah*. Qom: Islamic Thought Association. [In Arabic]
38. Johari, E. (1407 AH). *Al-Sahah*. Beirut: Dar Al-Ilm le Al-Mala'in. [In Arabic]
39. Karaki, A. (1414 AH). *Jame' al-Maqasid*. Qom: Alulbayt. [In Arabic]
40. Kashani, A. (1409 AH). *Bada'e al-Sana'e*. Pakistan: Al-Maktabah Al-Habibiya. [In Arabic]
41. Kashani, M. H. (1404 AH). *Mustaqsa Madarik al-Qawa'id*. Qom: Ilmiyah Printing House. [In Arabic]
42. Kashif al- Ghitta ', A. (n.d.). *Al-Fawa'id al-Jafariah*. Najaf: Kashif Al- Ghitta Institute.
43. Kashif al- Ghitta ', A. (n.d.). *Bab Madinah al-Ilm*. Najaf: Kashif Al- Ghitta institute.
44. Kashif al- Ghitta ', M. H. (n.d.). *Questions and answers*. Najaf: Kashif Al- Ghitta Institute.
45. Kashif al- Ghitta ', M. M. (1359 AH). *Tahrir al-Majalah*. Najaf: Mortazavi Library. [In Arabic]
46. Kashif al-Ghitta ', J. (n.d.). *Kashf al-Ghitt'a*. (old print). Isfahan: Mahdavi Publications.
47. Khezri Beck, M. (1992). *Tarikh al-Tashri' al-Islami*. Beirut: Dar al-Fikr al-Arabi.

48. Khoei, S. A. (1418 AH). *Encyclopaedia of Imam Khoei*. Qom: Imam Al-Khoei's Works Revival Institute. [In Arabic]
49. Khomeini, S. R. (1415 AH). *Manahij al-Vosul ila Ilm al-Usul*. Qom: Institute for Publishing and Works of Imam Khomeini. [In Arabic]
50. Makarem Shirazi, N. (1424 AH). *Kitab al-Nikah*. Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib School Publications. [In Arabic]
51. Makarem Shirazi, N. (1428 AH). *Sharia tricks and correct solutions*. Qom: School of Imam Amir al-Mo'menin. [In Arabic]
52. Maraghi, S. M. (1417 AH). *Al-Anawin al-Faqihah*. Qom: Islamic Publications. [In Arabic]
53. Najafi Khansari, M. (1418 AH). *Maniyah al-Talib*. (Mohaghegh Naeini transcriptions). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
54. Najafi, M. H. (1365 AP). *Jawahir al-Kalam*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Persian]
55. Naraqji, M. A. (1415 AH). *Mustanad al-Shia*. Qom: Alulbayt. [In Arabic]
56. Qomi, M. A. (1413 AH). *Jame' al-Shatat fi Ujubah al-Su'alat*. Tehran: Keyhan Institute. [In Arabic]
57. Qomi, S. T. (1426 AH). *Mabani Minhaj al-Saleheen*. Qom: Qalam al-Sharq. [In Arabic]
58. Sabzevari, S. A. (1413 AH). *Muhadab al-Ahkam*. (4th ed.). Beirut: Al-Manar. [In Arabic]
59. Sadr, S. M. B. (1406 AH). *Durous fi Ilm Ilm al-Usul*. Beirut: Dar al-kitab al-Lubnani. [In Arabic]
60. Sadr, S. M. B. (1423 AH). *Al-Fatwa al-Wazihah*. (1st ed.). Qom: Markaz al-Abhath va al-Dirasat al-Takhasusiyah le al-Shahid al-Sadr. [In Arabic]
61. Sanad, M. (1423 AH). *Sanad al-Urwat al-Wothqa. Kitab al-Hajj*. Beirut: Umm al-Qura Institute. [In Arabic]
62. Sarakhsi, M. (1414 AH). *al-Mabsut*. Beirut: Dar Al-Ma'rifah. [In Arabic]

63. Sayyid Murtadha. (1997). *al-Masa'il Naseriat*. Tehran: Rabitah al-Thaqafah va al-Alaghat al-Islamiyah.
64. Sayyid Sabiq. (1411 AH). *Fiqh al-Sunnah*. Cairo: Dar al-Fath le Al-A'alam al-Arabi. [In Arabic]
65. Sherbini, M. (1377 AH). *Mughni al-Muhtaj*. Beirut: Dar Al-Ihya Al-Torath Al-Arabi. [In Arabic]
66. Sivari, M. (1404 AH). *Al-Tanqih al-Ra'e*. Maktab Ayatollah Al-Marashi. [In Arabic]
67. Sobhani, J. (1423 AH). *Dirasat Mujizah fi al-Khiarat va al-Shorout*. The World Center for Islamic Studies. [In Arabic]
68. Sobhani, J. (1424 AH). *Al-Mawaheb Fi Tahrir Ahkam Al-Makasib*. Qom: Imam Sadegh Institute. [In Arabic]
69. Sobhani, J. (1424 AH). *Al-Zakat fi al-Shariah al-Islamiyah Al-Ghara*. Qom: Imam Sadegh Institute. [In Arabic]
70. Sobhani, J. (1424 AH). *Hajj fi al-Shariah al-Islamiyah Al-Ghara*. Qom: Imam Sadegh Institute. [In Arabic]
71. Tabatabaei, S. A. (1412 AH). *Riyadh al-Masa'il*. Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
72. Tabrizi, M. J. (n.d.). *New religious questions*. Qom.
73. Tal Akbari, M. (Sheikh Mofid). (1410 AH). *Al-Muqni'ah*. Qom: Eslmi Publications. [In Arabic]
74. Tusi, M. (Sheikh Tusi). (n.d.). *Al-Nahayah*. Qom: Quds Mohammadi.
75. Yazdi, S. M. K. (1421 AH). *Hashiyah al-Makasib*. Qom: Esmailian. [In Arabic]
76. Zobeidi, S. M. M. (1414 AH). *Taj al-Arous*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]